

نوشته و اقتباس : دکتر فرهاد آبادانی



## هنر درام در هند

برای مطالعه هنر درام نویسی در هند باید تاریخ این کشور را ورق زد و به دو هزار سال پیش برگشت . آغاز هنر درام نویسی در آن زمان هر چند بطور دقیق و روشن معلوم نیست اما چنانکه از آثار و نوشته‌های ادبای زمانهای بعدی برمیآید این هنر از دیرباز یکی از تجلیات فرهنگ باستانی هند بوده است. در دورانی که شروعی چند قرن پیش از میلاد مسیح و پایانش تسلط ترکها و همچنین برقراری اسلام در شمال هند است این هنر زیباترین تصویر و انعکاس از روحیات مردم هند است که هر نقطه و محل با خصوصیات مختلفی بروز کرده است. در ریک ودا سرودهایی دیده میشود که بشکل مکالمه بین دونفر میباشد. موضوع این سرودها غالباً داستانهای عشقی جالبی است که با همه آنکه جنبه روحانی دارد خالی از لطف نمی باشد. مثلاً یکی از قهرمانان فناپذیر زمینی، عاشق فرشته‌ای آسمانی میگردد. داستان عشقی سحنه گفتگوی این دو عاشق و معشوق است . آنها بهم نمیرسند اما معشوق وعده میدهد که روزی آرزوهای دلداده خود را برآورده خواهد کرد ، و چنانکه روشن است این موضوع يك درام کاملاً غیر مذهبی است . تمام درامهای این زمان که در میان مردم شهرت و محبوبیت دارد کم و بیش از يك چنین اصل و سبکی پیروی میکنند . بعدها که مردم هند با گروههای غیر آریایی آمیزش و اختلاط پیدا کرد و همه چیز با منهب و فلسفه آمیخته گردید این شکل دیالک نیز خواه ناخواه تحت تأثیر واقع شد نمایش‌های عروسکی بوجود آمد و دیالک بوسیله گردانندگان عروسکها

که سرنخ را جردست داشتند بجای آنها انجام میشد. درغارهای بیهار سنگ نبشته‌هایی یافت شده است که مربوط به سه قرن پیش از میلاد است و نشان میدهند که هنر درام در آن زمان چگونه رایج بوده است. در یکی از این غارها سن نمایشی بر سنگ تراشیده شده و نوشته‌هایی بخط براهمی بر سنگها دیده میشود که از نمونه‌های ادبیات غیر مذهبی است. موضوع این نوشته‌ها داستانهای عشقی است به شکل تراژدی و سرود که از درد هجران و لذت وصال گفتگو میکند. درباره این سنگ نبشته‌ها تعبیرات و تفسیرهای گوناگونی شده است اما آنچه که غیر قابل انکار است و همیشگی است مسئله عشق است. در جای دیگر جوانی را می بینیم بنام **Deva - Datta** یعنی خداداده که شغلش حجاری است دلداده دختری است بنام **Sutanuka** یعنی زیبا و قلمی که رقاصه معبد است و زندگی خود را وقف خدایان و موسیقی و رقص کرده است بعبارت دیگر موسیقی و رقص حرفه اوست بنابراین در این درام، ما شاهد عشق يك هنرمند دیگر هستیم. در سنن هند هنر درام با همه هنرها و حرفه‌های تکمیلی آن يك موهبت خدائی بقلم آمده و تعبیر شده است. فکر و روحیه هندی مایل است آثار و آفریننده‌های ذوقی و لطیف فرهنگ ملت را به خدایان و زمانها و مکانهای دور از یاد انسان نسبت بدهد.

قرن پنجم پس از میلاد که ما با عالی‌ترین محصولات ذوقی و فکری انسانی در یونان روبرو هستیم هنر درام هند رنگ دیگری می‌یابد. در مراسم مذهبی مربوط به خدای عشق و شیدائی دیالک‌هایی که ظاهر یونانی دارد اما ترکیب آن همان داستان پردازی دیرین است بچشم میخورد. تراژدی و کمدی یونان در حال تأثیر است و این تأثیر با هجوم اسکندر و تسخیر قسمتی از خط هند کامل‌تر میگردد. اصولاً کلمه پرده **Yavanika** که ارتباط ناگسستنی با درام و هنر تأتر دارد چنین آمده که در آن زمان به یونانیها میگفتند در درام‌های این زمان پرسانزهای بیشتری وارد صحنه میشوند و از نفوذ و تأثیر هنر یونانی بیاد آوریم که چگونه نمایشنامه اوری پید **EURIPIDES** جان بردگان آتنی را که در سیراکوز گرفتار بودند نجات داد بخوبی می‌پذیریم که هنر درام

هندی نمی‌توانست از زیر تأثیر یونان بیرون بماند. اما درام سانسکریت تا اندازه‌ای راه مستقلی را پیمود و تحت تأثیر تراژدی و کمدی یونان قرار نگرفت و علت این بیشتر در این نکته پنهان است که هنگام نفوذ درام یونان به هند، درام سانسکریت کامل شکل گرفته بود.

درام سانسکریت نیز طبق همان سیره کلی صحنه‌های هیجان‌انگیز عشقی است که زندگی پادشاهان بسیار و دربار هند باستان را نشان می‌دهد که در درام یونان نظیر آن وجود ندارد. غیر از توصیف زندگی گروه‌های ممتاز، درام سانسکریت بتوصیف زندگی مردم معمولی نیز پرداخته است و از لحاظ محتوی و روح با کمدی‌های شکسپیر و مولیر وجه تشابه بسیار دارد. نام بهاسا ادیب و شاعر معروف هند باستان را کسی نیست که نداند. اخیراً در استان کرالا از این ۱۳ درام که به خط محلی است کشف شده است که موجب بحث‌های زیادی گردیده است. در اینکه این درام‌ها اثر بهاسا باشد ممکن است جای گفتگو باشد اما باستانی بودن آنها را هیچکس نمی‌تواند منکر شود.

هند باستان بهمان ادب آثار دراماتیک جاویدانی را عرضه داشته که از طرف دوستان اران هنر کلیه کشورها بعنوان میراث فرهنگی شناخته و استقبال شده‌اند. گوته شاعر معروف آلمانی نمایش شا کو تالا را که اثر کالیداس می‌باشد بالذات خاطر مطالعه می‌کرد. و همچنین نمایش‌های بهاسا و سودراکا و خیلی‌های دیگر برای خود جای بزرگی را در جهان ادب باز کرده‌اند.

در نمایش‌های هند باستان رقص و موسیقی اساس کار است. اما درباره سن و دکور مدارک درستی در دست نیست. آنچه بنظر میرسد آنها سن‌های عالی نیز داشته‌اند که در هر صورت نیای سن‌های امروزی نمر نبوده است برای پشت سن پرده‌ای بکار می‌برده‌اند و در ورود و خروج و همچنین ارکستر داشته‌اند. تماشاچیان روی زمین رو بسن می‌نشسته‌اند و برای اشخاص مهمتر جایگاه‌های بهتری می‌ساخته‌اند.

درام سانسکریت نیز مانند همه آثار و احوال فکر و فعالیت بهری با تحولات سیاسی دستخوش تغییر و تحول می‌گردد. زمانی می‌رسد که ممتازان هند



خوش دارند بزبان سانسکریت و غیر از زبان سایر مردم صحبت کنند این وضع در درام سانسکریت هم متداول میشود که قهرمانان برجسته به زبان سانسکریت و دیگر قهرمانان بزبانهای محلی خود صحبت میکنند.

همان زبان سانسکریت هر چه زمان میگذرد قلنبه تر میگردد و بهمان نسبت که وسیله تفریح و سرگرمی گروه ممتازه میگردد از توده مردم فاصله میگردد و بالاخره به یک هنر کاملاً درباری تبدیل میگردد که دیگر نام و نشانی در میان مردم ندارد با اینحال بعضی روشنفکران گوشه نشین در خلوت خود به زنده نگهداشتن هنر ادامه دادند اما این کوشش هرگز نتوانست درام سانسکریت را از راه زوالی که در آن سیر میکرد برهاند.

پس از تسلط اسلام در هند کوششهای ادبی نوینی آغاز میگردد. ادبیات کلاسیک سانسکریت مشعل فروزان خود با بدست میگیرد.

در زمینه های ادبی تجدید نظرهایی بعمل میآید. در درام سنتهای جدیدی معمول میگردد که در مشرق هند رواج دارد. دیالکها بشکل آواز انجام میشود. مرکز این جنبش ابتدا در بنگال است که رفته رفته در سراسر شرق هندوستان گسترش مییابد.

نکته برجسته در درامهای این دوره آنست که تم های آنها از حماسه های سانسکریت و همچنین حماسه های دیگر بزبانهای دیگر محلی اخذ شده است. نمایش راجه گو پیشاند را و مادرش که ملکه بود ورد زبانها میگردد اشعار آنرا مردم از بر میخوانند.

از جنوب هندوستان گفتگو کنیم: در هند اگر چه اصولاً هیچ چیز نمیتواند مستقل از چیز دیگر باشد صنعت درام در جنوب خصوصیت مخصوص خود را دارد که عبارت است از رقص و عشق و این خصوصیت کاملاً از زیر تأثیر تمدن اسلامی محفوظ مانده است و چهره هندی خود را بخوبی حفظ نموده است.

بطور کلی تجلیات هنری بخصوص درام هندی نیز مانند اروپای مذهبی در قرون وسطایی تواند از زیر تأثیر مذهب بیرون بماند. در این دوره بناپشهایی بر میخوریم که آنها را پالاکان مینامند.

گردانندگان این نمایش‌ها مانند معر که گبران خودمان مردم‌دادر گوشه و کنار دورخود جمع‌مینمودند. نمایش بر اساس افسانه‌ای بود که معمولاً از دو واقعه تشکیل شده بود. معر که گیر همدست‌هایی داشت که البته در ضمن بازی با آنها کمتر وارد مکالمه میشد.

در بعضی از این بازی‌ها بازیکنان در لباس خدایان یا قهرمانان در معر که ظاهر میشدند. بازی خیلی ساده و ابتدایی بود. سن و د کوری در کار نبود. تماشاچی‌ها دور آنها روی زمین حلقه میزدند. ارکستر ساده‌ای نیز که از آلات و ادوات معمولی زمان بود شروع به نواختن میکرد و معر که یا بازی بیشتر با آواز خوانی برگزار میشد تا نمایش و درام. موضوع آوازا که بالحن هجو و استهزاء و بسدای بلند خوانده میشد. اوضاع اجتماعی بود. با این چنین صحنه‌ها ما در نقاط دیگر هند نیز بر میخوریم.

در جنوب هند رقص عنصر اساسی درام است که برای هنرمندان جذبه خاصی را در بر دارد. در استان کرالانوعی درام رقص هست که در نوع خود کم‌قبی و تماشاچی است.

ماسک‌ها و صورتک‌ها نقاشی شده‌ای بصورت میگذارند که به صورتک‌های ژاپنی و چینی شباهت زیاد دارد با این وجود این هنر که بمعنی کلمه نمی‌توان آنرا درام دانست با هنر چینی و ژاپنی ارتباط ندارد.

هنر درام در هند امروز ترکیبی است از نفوذهای ادبی مختلف که بطور يك شکل و واحد در قلمرو کشور توسعه نیافته است و چون چنین است توجه دولت‌ها بخود معطوف داشته است.

تأسیس آکادمی ملی رقص و موسیقی درامی در دهلی جدید سنگ شالوده ایست که از این لحاظ پر زمین نهاده شده است. این آکادمی در تمام قشقه‌های هند شبه دارد و چشم‌امید هنرمندان و هنردوستان هند به آن دوخته شده است.

با وجود تأخیر سریع‌السير سینما آید درام هند خواهد توانست در موقیبت خود پایدار بماند؛ این سئوالی است که باید آینده به آن پاسخ دهد. اما حقیقت این است که هندوستان با سابقه دوهزار ساله خود در هنر درام و هنرمندان بزرگی که در این زمینه به جهان ادب عرضه داشته است همچنان کشور علم و هنر باقی خواهد ماند. در این زمینه بازم گفتگو خواهیم کرد.